

■ عَيْنِ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

۱- «إِعلم أَنَّ قولاً معروفاً و مغفرة خير من صدقة يتبعها أدنى!»:

- (۱) هان که سخن خوب و بخشش کردن بهتر از صدقه‌ی توأم با آزار و اذیت است!
- (۲) آگاه باش که بهتر از صدقاتی که آزار و اذیت را به همراه دارند سخن معروف و آموزش است!
- (۳) بدان که یک سخن پسندیده و یک عفو، بهتر از صدقه‌ای است که به دنبال آن آزار باشد!
- (۴) آیا می‌دانی که سخن شناخته شده و آموزش برتر از صدقه‌ایست که آزار و اذیت را در پی دارد!

۲- «الدنيا كالبیت الذی له بابان، یدخل الإنسان من أحدهما و یدخل من الآخر!»:

- (۱) دنیا مانند خانه‌ایست که دو درب دارد، انسان از یکی از آن‌ها داخل می‌شود و از دیگری خارج می‌شود!
- (۲) دنیا چون خانه‌ایست با دو درب، که انسان از یکی از آن‌ها وارد می‌گردد و از درب دیگری خارج می‌شود!
- (۳) دنیا همانند آن خانه است که دو درب دارد، و انسان از یکی از آن‌ها داخل می‌گردد و از دیگری خارج می‌شود!
- (۴) دنیا بسان خانه‌ایست که دارای دو درب می‌باشد، انسان از یک درب وارد می‌گردد و از درب دیگر بیرون می‌آید!

۳- «العقل أفضل شيء أعطاه الله إلى الإنسان، و هو من نعم الله بنفعه في حياته!»:

- (۱) برترین نعمت خدا عقل است که به انسان بخشیده است و او از آن در زندگی خود استفاده می‌کند!
- (۲) عقل برترین چیزهاست که خداوند به انسان می‌دهد، و با آن در زندگی خود از نعمت الهی بهره‌مند می‌شود!
- (۳) برترین چیزی که خداوند به انسان بخشیده عقل اوست که از نعمت‌های خداوند است و به او در زندگی سود می‌رساند!
- (۴) عقل برترین چیزی است که خداوند آن را به انسان عطا کرده است، و آن از نعمت‌های خداست که به او در زندگیش سود می‌رساند!

۴- «انطلق الناس لتهنئة المجاهدين لما انتشرت أخبار انتصارهم في ساحات القتال!»:

- (۱) مردم به‌سوی مجاهدان روانه گشتند تا انتشار خبر پیروزی آنان را در میادین رزم تبریک بگویند!
- (۲) مردم وقتی اخبار موفقیت مجاهدین را در میادین رزم شنیدند برای تبریک گفتن به آن‌ها روانه گشتند!
- (۳) وقتی خبر موفقیت مجاهدین در میدان‌های جنگ پخش شد، مردم برای تهنیت گفتن به‌سوی آن‌ها روانه گشتند!
- (۴) هنگامی که اخبار پیروزی مجاهدان در میدان‌های نبرد منتشر شد، مردم برای تبریک گفتن به آن‌ها روانه شدند!

۵- «ساعد أخي حيواناً يشعر بألم شديد في قدميه لأنه كان قد وقع في بئر عميقة!»:

- (۱) برادرم، حیوانی را مساعدت کرد که در پاهایش احساس درد شدید داشت زیرا او در چاه عمیق افتاده بود!
- (۲) حیوانی را برادرم کمک کرد که درد شدیدی را در پاهایش به دلیل افتادن در دام عمیق احساس می‌کرد!
- (۳) حیوانی را که احساس درد زیادی در پایش می‌کرد برادرم مساعدت کرد، زیرا او دچار دامی عمیق شده بود!
- (۴) برادرم به حیوانی کمک کرد که درد شدیدی در پاهایش احساس می‌کرد زیرا او در چاهی عمیق افتاده بود!

۶- «فهم الطلبة الدرس بعد أن طالعوه بدقة». عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي السُّؤَالِ:

- (۱) متى فهم الطلبة الدرس؟ (۲) متى طالع الطلبة الدرس؟ (۳) من فهموا الدرس بعد مطالعته؟ (۴) ما فهم الطلبة بعد مطالعته؟

۷- «نماز بهترین راه برای نزدیکی به خداوند است، هرکس خدا را بخواهد بیشتر به آن روی می‌آورد!»:

- (۱) الصلاة أحسن الطريق للتقرب إلى الله، من أراد الله يقبل عليها أكثر!
- (۲) إن الصلاة أحسن الطريق للمجاورة من الله، من طلب الله اهتم بها كثيراً!
- (۳) الصلاة أفضل الطريق للإقتراب من الله، و الذي أراد الله أقبل عليه أكثر!
- (۴) أفضل الطرق للتقرب إلى الله الصلاة، و الذين يريدون الله يهتمون به كثيراً!

۸- «با خواندن کتب عربی می‌توانیم بسیاری از آیات و متون قرآنی را بفهمیم!»:

- (۱) استطعنا فهم الكثير من آيات و المتون في القرآن بتلاوة الكتب العربي!
- (۲) نستطيع درك أكثر من الآيات و المتون في القرآن بقراءة الكتاب العربي!
- (۳) نستطيع أن ندرك كثيراً من الآيات و النصوص القرآنية بقراءة الكتب العربية!
- (۴) قد استطعنا أن نفهم الكثير من الآيات و النصوص القرآنية بتلاوة الكتب العربية!

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ:

٩- «سمعت إمامنا يطلب من الشباب التمسك بالحرية والقيم الإنسانية!»:

- (١) يُطَلِّبُ - الشَّبَابَ - الْحُرِّيَّةَ - الْقِيَمَ
(٢) إِمَامٌ - يَطْلُبُ - التَّمَسُّكُ - الْحُرِّيَّةَ
(٣) سَمِعْتُ - إِمَامَنَا - الشَّبَابَ - التَّمَسُّكَ
(٤) التَّمَسُّكُ - الْحُرِّيَّةَ - الْقِيَمَ - الْإِنْسَانِيَّةَ

١٠- «تعجبنا حين شاهدنا زميلنا يتفلسف في مكانه و يجلس أخاه إلى جانبه!»:

- (١) حَيْنَ - شَاهَدْنَا - يَتَفَلَّسُ - يُجْلِسُ
(٢) زَمِيلَ - يَتَفَلَّسُ - يُجْلِسُ - أَخَاهُ
(٣) تَعَجَّبْنَا - حِينَ - شَاهَدْنَا - زَمِيلَنَا
(٤) شَاهَدْنَا - يَتَفَلَّسُ - يُجْلِسُ - جَانِبَ

١١- «ذهبت الأم إلى الطفلتين و جعلت ثمرة في فم كل منهما فرضي الله عنهما!»:

- (١) جَعَلَتْ - ثَمْرَةً - كُلَّ - اللَّهِ
(٢) الطَّفْلَتَيْنِ - ثَمْرَةً - كُلَّ - مِنْهُمَا
(٣) الْأُمُّ - الطَّفْلَتَيْنِ - فَمَ - رَضِيَ
(٤) ذَهَبَتْ - الْأُمُّ - جَعَلَتْ - ثَمْرَةً

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

١٢- «إنْ تعمل الحسنات يُذهبن سيئاتك!»:

- (١) يذهبن: للغائبين - مزيد ثلاثي من باب إفعال - متعدّد / فعل و فاعله ضمير النون البارز، و الجملة فعلية
(٢) تعمل: مضارع - للغائبة - مجرّد ثلاثي - معرب / فعل و فاعله ضمير «أنتِ» المستتر، و الجملة فعلية
(٣) سيئات: اسم - جمع سالم للمؤنث - معرّف بالإضافة - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع بالضمّة الظاهرة
(٤) الحسنات: جمع سالم للمؤنث - معرّف بأل - معرب - ممنوع من الصرف / مفعول به و منصوب بالفتحة الظاهرة

١٣- «الراضي عن نفسه لا يحبّه أحد في الدنيا و الآخرة!»:

- (١) يُحِبُّ: مضارع - للغائب - مزيد ثلاثي من باب إفعال - متعدّد / فعل مرفوع، و فاعله «أحد» و الجملة فعلية
(٢) الراضي: اسم - مشتق و اسم فاعل - معرّف بأل - مقصور - ممنوع من الصرف / مبتدأ و مرفوع تقديرًا
(٣) أحد: مفرد مذكّر - جامد - معرّف بالإضافة - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع، و الجملة فعلية
(٤) الدنيا: اسم - مفرد مؤنث - مشتق - معرب - منقوص / مجرور محلًّا بحرف الجرّ

١٤- «الباحثون يتوصلون إلى النظريات التي تفيد الإنسان!»:

- (١) الّتي: اسم - موصول خاص - للمفرد المؤنث - معرفة - مبني
(٢) الباحثون: جمع سالم للمذكر - مشتق و اسم مفعول (مصدره: بحث) - معرب
(٣) الإنسان: اسم - جامد - معرّف بأل - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع بالألف
(٤) يتوصلون: مضارع - للغائبين - مزيد ثلاثي من باب تفعيل / فعل مرفوع بثبوت نون الإعراب

١٥- «تلك الحادثة لما حدثت انفصلت أجزاء المادّة!»:

- (١) حدثت: للغائبة - مجرّد ثلاثي - لازم - مبني / فعل و فاعله ضمير التاء البارز، و الجملة فعلية
(٢) تلك: اسم - إشارة للبعيدة - معرفة - مبني على الفتح / مبتدأ و مرفوع محلًّا، و الجملة اسمية
(٣) انفصلت: مضارع - مزيد ثلاثي من باب انفعال - مبني للمعلوم - مبني / فعل و فاعله ضمير «هي» المستتر
(٤) أجزاء: اسم - جمع تكسير (مفردة: جزء، مذكّر) - مشتق و صفة مشبّهة - نكرة - معرب / فاعل و مرفوع

■ عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١٦- عَيْنُ كَلِمَةِ «فلسطين» بعلامة سَفَرَعِيَّةٍ لِلْإِعْرَابِ:

- (١) شاهدت فلسطين و أطفالها يهاجمون الغاصبين!
(٢) فلسطين أرض مقدّسة لجميع المسلمين في العالم!
(٣) على فلسطين أن تقف أمام أعدائها الظالمين!
(٤) فلسطين سوف تُحرّر في القادم إن شاء الله تعالى!

١٧- عَيْنُ مَا كُلُّ عِلَامَاتِ الْإِعْرَابِ فِيهِ تَقْدِيرِيَّةٌ:

- (١) الوالي - أذى - كسرى - الساعي
(٢) النبيّ - الهدى - الّذي - الأغنى
(٣) جتّان - قويّ - المرضى - التّائيّ
(٤) التقوى - الفتى - الأذى - ليلي



۱۸- «..... إخوت..... المجدون في أداء واجبات.....». عَيِّن غير المناسب للفراغات:

- (۱) أنتم / ها / هن (۲) هم / هما / هم (۳) نحن / كم / نا (۴) أنتم / هم / كم

۱۹- «..... شمسنا الذهبية التي نهارنا، و من مظاهر قدرة الله!». عَيِّن الصحيح للفراغات:

- (۱) ذلك / تنور / هو (۲) هذه / تنوير / هي (۳) تلك / تنور / هي (۴) هذا / ينور / تلك

۲۰- مَيِّز «ما» معرفة:

- (۱) اصبروا على ما حدث لكم!
(۲) أمي؛ ما هو سبب حزنك!
(۳) لِمَ ما سألتني سؤالاً مفيداً!
(۴) إلهي ما جعلت للشيطان عليّ سبيلاً!

۲۱- مَيِّز الصحيح:

- (۱) ساعدني الحاضرين الذين كانوا في المجلس!
(۲) على ذو الحق أن يدافع عن حقه!
(۳) ملأ هذا العطشان الكفين بالماء و شرب منه!
(۴) الراحمين هم الذين يرحمون الناس في جميع الأحيان!

۲۲- «ربنا الكريم هو ذو الرحمة والرضوان، يعطي كل ما يشاء و هو صاحب الجود والإحسان!». عَيِّن المعروف بالإضافة:

- (۱) نا - ذو - ما - صاحب
(۲) نا - الرحمة - ما - الجود
(۳) رب - الكريم - الرحمة - كل
(۴) رب - ذو - كل - صاحب

۲۳- عَيِّن المزيد بزيادة حرفين اثنين:

- (۱) جاهدتم (۲) أظهري (۳) استمعوا (۴) يستسلمان

۲۴- «هؤلاء الأولاد الصغار يلعبون لعبة جميلة في ساحة المنزل!». عَيِّن المشتقات:

- (۱) الأولاد - لعبة - جميلة (۲) الأولاد - لعبة - ساحة (۳) الصغار - ساحة - المنزل (۴) الصغار - جميلة - المنزل

۲۵- «أين تناولتَ أطعمتكِ أمس؟». عَيِّن المناسب للجواب: في البيت!

- (۱) تناولتها (۲) تناولناها (۳) تناولناه (۴) نتناولها



درس ۱ تا ۴ عربی (۲)

آزمون ۲ (آبان ماه ۱۳۸۹)



■ عَيِّن الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو التعريب أو المفهوم:

۲۶- «استقبلني أصدقائي بحفاوة و صافحوني و قاموا بتبجيلي»:

- (۱) دوستانم استقبال گرمی از من کردند و با احترام بسیار به من دست دادند!
(۲) رفقای من با شادی مرا بدرقه کردند و دست دادند و برای احترام به من برخاستند!
(۳) دوستانم به گرمی از من استقبال کردند و با من دست دادند و به بزرگداشت من پرداختند!
(۴) رفیقانی با گرمی به استقبال من آمدند و مرا در آغوش گرفتند و شروع به احترام کردن من کردند!

۲۷- «العظماء في جميع البلاد يهدون أجيالهم بمشعل حياتهم»:

- (۱) بزرگان کشورها فرزندان آن کشور را با شیوهی زندگی خود به نور و روشنایی هدایت می‌کنند.
(۲) بزرگان در همه‌ی سرزمین‌ها فرزندان‌شان را با چراغ نورانی زندگیشان هدایت می‌کنند.
(۳) بزرگان در همه‌ی سرزمین‌ها نسل‌های خود را با مشعل زندگیشان هدایت می‌کنند.
(۴) زندگی بزرگان در تمام کشورها، مشعل هدایت نسل‌های آن سرزمین است.

۲۸- «لِمَ لا تُبادرين ببناء مكان مناسب لمعالجة هؤلاء المرضى؟ إِنَّ اللَّهَ لا يُضِيعُ أجزاك!»:

- (۱) چرا به ساختن مکانی مناسب برای معالجه‌ی این بیماران اقدام نمی‌کنی؟ قطعاً خداوند پاداش تو را ضایع نمی‌کند!
(۲) به چه علت به ایجاد جایگاهی مناسب برای مداوای بیمارها دست نمی‌زنی؟ پروردگار پاداش کسی را زایل نمی‌کند!
(۳) چرا اقدامی برای برپایی جایی مناسب برای علاج این بیماری‌ها نکنی؟ قطعاً خدا اجرت را پایمال نخواهد کرد!
(۴) برای چه تو اقدام به بنای مکان مناسب برای درمان این بیماری‌ها نکردی؟ خداوند پاداش تو را تباه نکند!

٢٩- «لَمَّا سَجَرْنَا النَّورَ رَأَيْنَا أَنَّ النَّارَ مُحْرِقَةٌ شَدِيدًا، فَتَرَكْنَاهَا مُحْزُونِينَ!»:

- (١) آن‌گاه که در تنور آتش روشن کردیم و متوجه شدیم آتش آن سوزان است، با غم و اندوه آن را رها کردیم!
- (٢) وقتی تنور را روشن کردیم دیدیم که آتش سخت سوزان است، پس آن را با حزن و اندوه ترک کردیم!
- (٣) چون آتش تنور را شعله‌ور ساختیم فهمیدیم که آتش شدیداً سوزان است، پس با غم و اندوه از آن دور شدیم!
- (٤) هر وقت می‌خواستیم تنور را روشن کنیم آتش آن را سخت سوزان می‌یافتیم ناچار با حزن و غم از آن دور می‌شدیم!

٣٠- «حَبِّ الدُّنْيَا سَيْفٌ ذُو حِدْبَيْنِ، وَ بَرَايَةِ الْأُصُولِ الْأَخْلَاقِيَّةِ لَا نَقَعَ فِي فَحْهَ!»:

- (١) دوست داشتن دنیا چون شمشیر دو لبه‌ای است، و با رعایت اصول اخلاقی در دام آن نمی‌افتیم!
- (٢) عشق به دنیا هم‌چون شمشیر دو لبه‌ایست، که با رعایت اصول اخلاقی در دام آن عشق نمی‌افتیم!
- (٣) دوستی دنیا هم‌چون شمشیری است با دو لبه، که چنان‌چه رعایت اصول اخلاقی را کنیم گرفتار دام آن نمی‌شویم!
- (٤) حبّ دنیا مثل شمشیری است که دو لبه داشته باشد، و اگر اصول اخلاق را رعایت کنیم گرفتار این دام نمی‌شویم!

٣١- «بَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَ مَدَدْتُ يَدِي ...!». عَيْنُ الْأَقْرَبِ إِلَى الْمَفْهُومِ:

- (١) خلق الله الإنسان ليدعوه في مشاكله فقط!
- (٢) علينا أن نتوكل على الله في كل أمورنا!
- (٣) كل شيء في الدنيا لاختبار الإنسان، فعليه أن يجتهد كثيراً!
- (٤) على الإنسان أن يكون قانعاً في حياته و لا يطلب مساعدة الآخرين!

٣٢- «چرا صبر نمی‌کنید؟ آیا نمی‌دانید که خداوند با صابران است!»:

- (١) لماذا لا تصبرون؟ ألا تعلمون أن الله مع الصابرين!
- (٢) ماذا لا تصبرين؟ هل لا تعرفين أن الله مع الصابرة!
- (٣) ما بكم أن لا يصبرن؟ ألا تعلمن أن الله مع الصابرات!
- (٤) لماذا لا يصبرون؟ هل لا يعلمون أن الله جنب الصابرين!

٣٣- «کسی که گمان می‌کند صاحب این باغ شخص بخیلی است، خطاکار است!»:

- (١) التي ظنّت أنّ صاحب تلك الحديقة إنسان بخيل فتكون في الخطأ!
- (٢) الذي ظنّ أنّ صاحب هذه البستان شخص بخيل فهو قد أخطأ!
- (٣) هي مخطئة من تظنّ أنّ صاحب تلك الحديقة شخص بخيل!
- (٤) الذي يظنّ أنّ صاحب هذا البستان شخص بخيل فهو مخطئ!

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّشْكِيلِ:

٣٤- «ما هو الأحب لك بين هذين الأمرين، تهيئة الخبز أو اللعب مع الأطفال!»:

- (١) لك - تهيئة - الخبز - الأطفال
- (٢) هو - الأحب - لك - هذين
- (٣) الأمرين - تهيئة - الخبز - الأطفال
- (٤) الأحب - هذين - الخبز - اللعب

٣٥- «الأعداء لا يريدون لنا غير نهب الثروات و الجّر إلى التبعية!»:

- (١) لنا - غير - نهب - الثروات
- (٢) الأعداء - يريدون - غير - نهب
- (٣) يريدون - نهب - الثروات - الجّر
- (٤) غير - الثروات - الجّر - التبعية

٣٦- «يذهب كثير من المسلمين في شهر ذي الحجة إلى مكة المكرمة»:

- (١) شهر - ذي - الحجة - مكة
- (٢) كثير - شهر - ذي - الحجة
- (٣) المسلمين - الحجة - مكة - المكرمة
- (٤) يذهب - كثير - المسلمين - شهر

■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

٣٧- «الَّذِينَ يُبْطِلُونَ صِدْقَاتِهِمْ بِالْمَنِّ لَا يَحْتَرِمُهُمُ الْمُسْلِمُونَ!»:

- (١) يُبْطِلُونَ: فعل مضارع - مجرّد ثلاثي - لازم - مبني للمجهول / فعل مرفوع بشبوت نون الإعراب
- (٢) الَّذِينَ: موصول خاص - للمفرد المذكر - نكرة - مبني / مبتدأ و مرفوع تقديرًا و الجملة اسميّة
- (٣) صِدْقَاتٍ: جمع سالم للمؤنث - معرّف بالإضافة - معرب / مفعول به و منصوب بالكسر
- (٤) الْمُسْلِمُونَ: مشتق و اسم فاعل - معرّف بأل - معرب / نائب فاعل و مرفوع بالواو

٣٨- «هي تَقْصُرُ آمَالَهَا فِي الدُّنْيَا وَ هَذَا دَلِيلُ عَقْلِهَا!»:

- (١) دليل: اسم - مفرد مذكر - مشتق - نكرة - معرب - منصرف / مبتدأ و مرفوع، و الجملة اسميّة
- (٢) هي: ضمير منفصل مرفوع - للغائبة - معرفة - مبني / فاعل لفعل «تَقْصُرُ» و مرفوع محلاً
- (٣) آمال: جمع توكسير (مفردة: أمل، مؤنث) - نكرة - ممنوع من الصرف / مفعول به و منصوب
- (٤) تقصّر: مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي من باب تفعيل / فعل و فاعله ضمير «هي» المستتر



٣٩- «افتح الباب لمن يطرقه، يفتح الله لك باب الجنة!»:

- (١) الباب: اسم - مفرد مذکر - جامد - معرّف بأل - معرب - ممنوع من الصرف / مفعول به و منصوب
(٢) من: اسم - موصول خاص - للمفرد المذكر - معرفة / مجرور محلاً بحرف الجر، لمن: جار و مجرور
(٣) افتح: فعل أمر - للمخاطب - مزيد ثلاثي من باب إفعال - معرب / فعل و فاعله ضمير «أنت» المستتر
(٤) يطرق: مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - متعدّد / فعل مرفوع، و فاعله ضمير «هو» المستتر، و الجملة فعلية

٤٠- «كثير من المسلمين يحجّون بيت الله الحرام في مكّة المكرّمة»:

- (١) المسلمين: جمع سالم للمذكر - مشتق و اسم فاعل من مصدر «تسليم» / مجرور بحرف الجر، و علامة جرّه الياء
(٢) مكّة: اسم - مفرد مؤنث - معرفة (علم) - ممنوع من الصرف / مجرور بحرف «في» و علامة جرّه الفتحة
(٣) يحجّون: مضارع - للغائبين - مبني للمجهول / فعل مرفوع بثبوت نون الاعراب، فاعله ضمير الواو
(٤) الحرام: مفرد مذكر - معرّف بأل - معرب - ممنوع من الصرف / نعت و منصوب بالتبعية للمنعت

■ عین المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية:

٤١- عین ما ليس فيه الممنوع من الصرف:

- (١) ألا إنّ لكلّ إنسان مشاكل عجيبة في حياته!
(٢) لو لم يكتشف غالبية حركة الأرض لكشفها عالم آخر!
(٣) إنّ في طلوع الشمس و غروبها آيات تتنبّهنا بمرور العمر!
(٤) إنّ أفضل دستور للحياة قد طرحه من هو أعلم بطبيعة الإنسان!

٤٢- «شاهدت الطفلات الصغيرات يحفظن آيات القرآن القصيرة». عین الصحيح عن إعراب ما أشير إليه بخطّ:

- (١) فاعل و مرفوع / صفة لـ «القرآن» و مجرور
(٢) فاعل و مرفوع / نعت لـ «القرآن» و منصوب
(٣) مفعول به و منصوب بالكسر / نعت لـ «آيات» و مجرور
(٤) مفعول به و منصوب بالكسر / صفة لـ «آيات» و منصوب

٤٣- عین العبارة التي ليس فيها اسم موصول:

- (١) نحن عند مواجهة المصاعب ما نشعر بالضعف أبداً!
(٢) سأترك في النهر هذه السمكة التي تكون في الوعاء!
(٣) هؤلاء من يصبرون على قضاء الله و يشكرونه!
(٤) أنا أسفة جداً، لا أقدر أن أدفع لك ما تطلب منّي!

٤٤- عین العبارة التي لها علامة فرعية للإعراب:

- (١) لنشاهد حال المساكين في مجتمعنا و نساعدهم في الحياة!
(٢) دخلنا في ميادين الشجاعة و الاستقامة حتّى ننجح!
(٣) يطلب الناس المخلصون من الله أن يغفر لهم!
(٤) يريد الشياطين إبعاد الإنسان عن حقيقة الحياة!

٤٥- «يُحِبُّ صديقيه المخلصين». عین الخطأ للفراغ:

- (١) أخاك (٢) أخي (٣) الأخ (٤) أخوك

٤٦- عین الخطأ:

- (١) يوم أمس وصلت إلى البيت قبل أن يصل والداي!
(٢) اليوم شاهدت حمامتان تطيران في السماء الصافية!
(٣) الموظفان فهما من ظاهر رئيسهما أنه منظم في عمله!
(٤) جاء أبو تلميذتي إلى المدرسة و سألتني عن دراسة بنته!

٤٧- عین نوع الخبر الذي يختلف عن غيره:

- (١) أحسن الأحاديث أنفعها.
(٢) إرادة الإنسان أصلب من الحجر!
(٣) للعاقل طرق متعدّدة لحلّ المشاكل.
(٤) العلم و الإيمان مفتاحان للتقرّب إلى الله!

٤٨- «أفضل مخلوقات الله هو الذي يُسبّح الخالق عن خلوص عميق في قلبه!». عین عدد المعارف:

- (١) ثماني (٢) ستّ (٣) عشر (٤) سبع

٤٩- عین الفاعل ليس اسماً ظاهراً:

- (١) ساعدني في دروسي من هو درسه أفضل منّي!
(٢) عند الغروب تجتمع أسرتي جميعاً لتناول العشاء!
(٣) عملت أولئك البنات بوصيّة والدتهنّ!
(٤) يا أمّ لماذا تمنعيني من اللعب مع أصدقائي!

٥٠- عین ما ليس فيه المفعول به:

- (١) «ربّ اشرح لي صدري»
(٢) «و ما من دابة في الأرض إلا على الله رزقها»
(٣) «واحللّ عقدة من لساني»
(٤) «اللهم انهج لي إلى محبتك سبيلاً»

■ عَيْنِ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

۵۱- «فِي حَيَاتِي سِرٌّ غَامِضٌ وَهُوَ مَخْفِيٌّ عَلَى الْآخِرِينَ!»:

- (۱) در زندگی من راز پیچیده‌ایست که بر دیگران پوشیده می‌باشد!
- (۲) من در زندگی راز مبهمی دارم که دیگران از آن اطلاعی ندارند!
- (۳) در زندگانی من راز نهانی وجود دارد که از دیگران پنهان مانده است!
- (۴) من در زندگانی خود راز پیچیده و نهفته‌ای دارم که از دیگران مخفی مانده است!

۵۲- «اعملوا في أيام الراحة والرضى كما تعملون عند الخوف والدهشة!»:

- (۱) در روزگار خوشی و رضایت چنان عمل کنید که در موقع ترس و وحشت عمل می‌کنید!
- (۲) هنگام خوشی و آرامش همان‌طور رفتار می‌کنید که هنگام ترس و نگرانی عمل می‌کنید!
- (۳) روزهای آسایش و سرخوشی خود را آن‌گونه بگذرانید که در ترس و وحشت به آن رفتار احتیاج دارید!
- (۴) قدر روزگار خوشی و رضایتمندی را بدانید زیرا در موقع خوف و ترس ناگزیر به دانستن قدر آن می‌شوید!

۵۳- «العظماء يعطوننا وفي الواقع يهبوننا تجارب حياتهم فلنجعل أقوالهم نصب أعيننا!»:

- (۱) بزرگان به ما اندرز دادند و در حقیقت تجربه‌های زندگی خود را به ما داده‌اند، بنابراین باید سخن آن‌ها را در برابر دیدگان خود قرار دهیم!
- (۲) اندرزی که بزرگان به ما می‌دهند حقیقتاً تجربه‌های زندگی آن‌ها برای ما می‌باشد، لذا باید سخن آن‌ها را نصب‌العین خویش قرار دهیم!
- (۳) پند دادن بزرگان برای ما واقعیتی است که تجربه‌ی زندگی آنان را به ما عطا می‌کند، لذا باید سخنانشان را مقابل چشمان خود قرار دهیم!
- (۴) بزرگان، ما را پند می‌دهند و در واقع تجربه‌های زندگی خود را به ما می‌بخشند، پس باید سخنان آن‌ها را نصب‌العین خود قرار دهیم!

۵۴- «تَعَلَّمْتُ مِنْ قَطَرَاتِ الْمَاءِ الَّتِي أَحْدَثَتْ ثَقْبًا فِي الصَّخْرَةِ أَنْ لَا أَيَّاسَ مِنْ عَدَمِ تَقَدُّمِي فِي الدَّرُوسِ!»:

- (۱) قطره‌های آبی که در صخره سوراخ ایجاد کرده بود به من آموخت که هیچ‌گاه از عدم پیشرفت در درس‌هایم ناامید نگردم!
- (۲) قطرات آبی که سوراخ در سنگ به‌وجود آورده بود مرا آموخت که از پیشرفت نکردنم در دروس مأیوس نگردم!
- (۳) از قطرات آبی که در صخره سوراخی ایجاد کرده بود آموختم که از عدم پیشرفتم در دروس ناامید نشوم!
- (۴) از قطره آبی که در سنگ سوراخ ایجاد کرده آموختم که از پیشرفت نکردنم در درس‌ها مأیوس نشوم!

۵۵- «مَنْ ظَنَّ أَنَّ قِيَمَةَ الْإِنْسَانِ بَسْتَهْ فَهُوَ إِنْسَانٌ مُخْطِئٌ!»:

- (۱) آن کس که بر این باور است که ارزش آدمی به سن است بنابراین چنین انسانی در اشتباه است!
- (۲) کسی که گمان کرده است ارزش آدمی به سنش است بنابراین او سخت در اشتباه است!
- (۳) هر کس گمان کند که ارزش انسان به سن اوست پس او انسان خطاکاری است!
- (۴) هر کس پنداشت قدر انسان به سال اوست پس او انسانی است که خطا می‌کند!

۵۶- «أُرِدْتُ أَنْ أَذْهَبَ مَعَ مَعْلَمِي إِلَى مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ». عَيْنِ السُّؤَالِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ:

- (۱) إلى أين كنت تريد أن تذهب؟
- (۲) مع من أردت أن تذهب إلى المكتبة؟
- (۳) ماذا أردت أن تعمل مع معلمك؟
- (۴) متى ذهبت أنت و معلمك إلى مكتبة المدرسة؟

۵۷- «پدر و مادر عزیزم، احترام به شما بر ما واجب است و این کم‌ترین چیزی است که ممکن است به آن پردازیم!»:

- (۱) یا ابوی عزیزم؛ لنتحترمکم لآنکه قلیل ما بیدنا آن نعمل به!
- (۲) یا والدی عزیزم؛ لأحترمکم، لآنکه أقل ما یمكن الإقامة به!
- (۳) یا ابوی الأعزاء؛ علينا احترامکم الواجب، و هذه أقل یمكن أن نقوم إلیه!
- (۴) یا والدی العزیزین؛ احترامکما واجب علینا، و هذا أقل ما یمكن أن نقوم به!

۵۸- «مرگ حق است و عمرها به دست خداوند!»:

- (۱) الموت و عمرنا حقیقتان و هما بید الله!
- (۲) الموت حق و الأعمار بید الله!
- (۳) الوفاة في سبيل الله حق و هو على يد الله!
- (۴) الوفاة حقيقة و العمر على يد الله!



■ عین الصحيح في التشكيل:

٥٩- «الأعداء في العالم لا يريدون لنا غير الضياع والغفلة عن المستقبل!»:

- (١) يُريدُونَ - لَنَا - غَيْرَ - المُستَقْبَلِ
(٢) الأَعْدَاءُ - العَالِمِ - يُريدُونَ - غَيْرَ
(٣) الأَعْدَاءُ - العَالِمِ - يُريدُونَ - غَيْرَ
(٤) لَنَا - الضِّيَاعِ - الغَفْلَةُ - المُستَقْبَلِ

٦٠- «في يوم من الأيام مرّ موكب هارون بدار الزاهد باجلال و آبهة!»:

- (١) يَوْمِ - الأَيَّامِ - مَوْكِبَ - هَارُونِ
(٢) مَرَّ - مَوْكِبَ - هَارُونِ - إجلال
(٣) الأَيَّامِ - مَرَّ - مَوْكِبَ - باجلال
(٤) الأَيَّامِ - مَرَّ - مَوْكِبَ - دارِ

٦١- «الجمع السالم للمؤنث لا يقبل الفتحة فعلامة نصبه الكسرة!»:

- (١) السَّالِمُ - الفَتْحَةُ - عَلاَمَةُ - الكَسْرَةِ
(٢) للمؤنثِ - الفَتْحَةُ - عَلاَمَةُ - الكَسْرَةِ
(٣) المؤنثُ - يَقْبَلُ - الفَتْحَةَ - عَلاَمَةَ
(٤) الجَمْعُ - السَّالِمُ - المؤنثُ - الفَتْحَةَ

■ عین الصحيح في الاعراب و التحليل الصرفي:

٦٢- «قيمة كل إنسان ما يُحسُّنه من الأعمال!»:

- (١) قيمة: اسم - مفرد مؤنث - معرب - ممنوع من الصرف / مبتدأ و مرفوع
(٢) ما: موصول عام - معرفة - مبني على السكون / خبر و مرفوع محلاً
(٣) الأعمال: جمع تذكير (مفردة: عمل، مذکر) - نكرة - معرب
(٤) يُحسِّنُ: مضارع - للغائب - مجزء ثلاثي - مبني على الضم

٦٣- «لقد تحمّل شماسٌ تعذيباً شديداً بسبب إسلامه!»:

- (١) إسلام: مفرد مذکر - جامد (مصدر من باب إفعال) - نكرة - معرب / نعت و مجرور بالتبعية
(٢) شماس: مفرد مذکر - مشتق و اسم مبالغة - نكرة - معرب - ممنوع من الصرف / فاعل و مرفوع
(٣) تعذيباً: اسم - مفرد مذکر - جامد (مصدر من باب تفعيل) - نكرة - معرب - منصوب
(٤) شديداً: اسم - مفرد مذکر - مشتق و اسم تفضيل (مصدره: شدة) - نكرة / نعت و منصوب بالتبعية لمنعوته

٦٤- «يسافر المسلمون في ذي الحجة إلى مكة المكرمة»:

- (١) المسلمون: جمع سالم للمذکر - معرّف بأل / فاعل و مرفوع بالواو
(٢) يسافر: فعل مضارع - للغائبين - مزيد ثلاثي من باب إفعال - معرب
(٣) ذي: اسم - من الأسماء الخمسة - مفرد مذکر - نكرة / مجرور تقديراً
(٤) مكة: اسم - مفرد مؤنث - نكرة - منصوب / مجرور بالفتحة بحرف الجرّ

٦٥- «ألجأتني الضرورة إلى خدمة الناس!»:

- (١) ألجأت: فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي - لازم - معرب / فعل و فاعله «الضرورة»
(٢) ي: ضمير متصل للنصب أو للجر - للمتكلم وحده - معرفة / مفعول به و منصوب محلاً
(٣) خدمة: اسم - مفرد مؤنث - نكرة - معرب - منصوب / مجرور بحرف الجر
(٤) الضرورة: اسم - مفرد مؤنث - معرّف بأل - معرب / مفعول به و منصوب

■ عین المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية:

٦٦- «تتكوّن عائلته من و هما والديهما في أمور البيت». عین الصحيح للفراغ:

- (١) ولدین / يساعدا (٢) ولدان / ساعد (٣) ولدان / ساعدا (٤) ولدین / يساعدان

٦٧- عین ما ليست فيه علامة تقديرية للإعراب:

- (١) إشتري هذا الولد عصي جميلة لوالده المريض!
(٢) رأيت المعتدي لم يندم و لم يترك عمله السيئ!
(٣) مرحباً بالفتى الذي يرحم أباه و أمّه العجوزين!
(٤) الصديق الصالح داعٍ إلى الخير في كلّ الأوقات!

٦٨- عین ما فيه معارف أكثر من غيره:

- (١) شجّعني هذا الباحث على الدراسة في علم الطب في إيران.
(٢) أعرف تلميذات يُحاكين العظماء في تحمّل المصاعب.
(٣) عجيب أنني لم أشاهد تقدماً في دروسك حتّى الآن.
(٤) رأينا قرية عامرة من بعيد فجاء أهلها لزيارتنا.

٦٩- عین الخطأ:

(١) هو كسلان في أعمال البيت! (٢) هي كسلانة في الرياضة فقط! (٣) هما كسلان في الدروس فقط! (٤) أنت كسلانة في كل الأعمال!

٧٠- عین الأسماء المقصورة كلها:

(١) أغنى - قوي - الأخرى - الضواحي
(٢) عطشى - الوالي - مصطفى - النبي
(٣) المثالي - الهدى - الاستشاري - الأذى
(٤) موسى - الفتى - المرضى - المستشفى

٧١- عین الأسماء المنقوصة كلها:

(١) مهدي - غني - المعتدي - أذى
(٢) الراعي - الوالي - الأغاني - أيدي
(٣) الرأي - الإسلامي - الفتى - بني
(٤) النبي - العدى - الراضي - القاضي

٧٢- عین «من» ليس موصولاً:

(١) هل تعلم من نجح في الصف من بيننا.
(٢) ابن سينا ممن اشتهروا في الطب بين المسلمين.
(٣) نجح من كان في صفنا من التلاميذ.
(٤) القرآن يطلب ممن آمنوا أن يعبدوا الله دائماً.

٧٣- عین الخطأ:

(١) أولئك محسنون فيهم الله لهم جئاته.
(٢) تلك المناظر في خارج المدينة جميلة.
(٣) هؤلاء كتب مفيدة نقرأها كل يوم.
(٤) هذه حدائق كبيرة و هي قرب منزلنا.

٧٤- عین ما ليس فيه اسم معرفة:

(١) المرء على دين خليله و قرينه!
(٢) قصر الآمال في الدنيا تفز!
(٣) لا تبطلوا صدقاتكم باليمن و الأذى!
(٤) لعل ذا حاجة يطلب مساعدة قليلة!

٧٥- عین ما فيه جمل أكثر من غيره:

(١) كانت في حديقة قصر الأمين بركة ماء صغيرة!
(٢) كيف نفكر و نتأمل بواجبنا في الطبيعة!
(٣) القرآن يطلب من المؤمنين أن يكونوا أقوياء!
(٤) بعض الأعداء اعترفوا بهذه الحقيقة!



درس ١ تا ٤ عربی (٢)

آزمون ٤ (آبان ماه ١٣٨٧)



■ عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو التعريب أو المفهوم:

٧٦- «سافرت مع التلاميذ إلى المناطق الجميلة و الرائعة التي تخب القلوب»:

(١) ما با شاگردان به مکان های زیبا و خوبی سفر کردیم که دل هایمان را می ربود.
(٢) همراه دانش آموزان به مناطق زیبا و جالبی که دل ها را می رباید، مسافرت کردید.
(٣) به همراه دانش آموزان خود به اماکن زیبا و دلپسندی مسافرت کردید که رایبندی دل ها بود.
(٤) ما همراه شاگردانمان به مناطقی زیبا و دلربا که دل هایمان را شیفتهی خود می کرد، سفر کرده ایم.

٧٧- «وصل الطبيب إلى هذه النتيجة أن تناول العسل ضروري لعلاج مرضي الصعب»:

(١) طبيب معالج به نتیجهی ضرورت خوردن عسل برای درمان بیماری مشکل من دست یافت!
(٢) پزشک برای معالجهی بیماری سخت من به این نتیجه رسید که خوردن عسل ضروری است!
(٣) پزشکی در معالجهی بیماری های سخت به این نتیجه رسید که خوردن عسل برای بیماران ضرورت دارد!
(٤) طبیب برای درمان بیماری مشکل من به این نتیجه دست یافت که خوردن عسل برای ما ضرورت دارد!

٧٨- «هذان الأخوان الكبيران تفسحا في مكانهما لأختهما الصغيرة ثم لعبوا معاً»:

(١) این برادران بزرگ کنار خودشان جایی باز کردند تا با خواهر کوچکشان بازی کنند.
(٢) اینان، برادران بزرگی هستند که نزد خواهر کوچک خود جا باز کرده و به بازی پرداختند.
(٣) این دو برادر بزرگ نزد خود برای خواهر کوچکشان جا باز کردند و سپس با هم بازی کردند.
(٤) این ها دو برادر بزرگ هستند، که برای خواهرشان جای کوچکی باز کرده تا با هم بازی کنند.



٧٩- «فهم الطلبة أهمية الدراسة وغيروا نظرتهم حول التعلم»: دانش آموزان

- (١) متوجه شدند درس خواندن اهمیت زیادی دارد و دیدگاهشان را در زمینه‌ی آموزش تغییر دادند!
- (٢) آن چنان ارزش تحصیل را فهمیدند که نظریات آن‌ها درباره‌ی یاد گرفتن عوض شد!
- (٣) اهمیت درس خواندن را درک کرده و دیدگاهشان را درباره‌ی یادگیری تغییر دادند!
- (٤) به ارزش تحصیل پی برده نظرشان حول محور آموزش دگرگون شد!

٨٠- عین الصحيح:

- (١) مررت بشخص عرفه الناس بسخاء الكف: از کنار شخصی گذشتم که مردم با سخاوت و بخشندگی او را می‌شناختند.
- (٢) الغفلة عن أولادنا تجزهم إلى معاشره رفيق السوء: غفلت از فرزندانمان آن‌ها را به سمت معاشرت با دوست بد می‌کشاند!
- (٣) لا تقل كلاماً كذباً تشاهد نتيجه السيئة: سخن دروغ را مگو، تا نتیجه‌ی بد آن را مشاهده کنی!
- (٤) رأيت بلبلاً يقرّد على شجرة بيتنا: بلبل را دیدم که بر روی درخت خانه‌ی ما آواز می‌خواند.

٨١- «فهمت أن قطرات الماء هي التي أحدثت هذا الثقب في الصخرة!»: عین السؤال المناسب:

- (١) ماذا فهمت؟ (٢) متى فهمت هذا الأمر؟ (٣) كيف أحدث الماء ثقباً؟ (٤) أين رأيت قطرات الماء؟

٨٢- «كسي که بداند خدا هر که را بخواهد روزی می‌دهد، در زندگی خشنود خواهد بود!»: عین الصحيح:

- (١) الذي عالمٌ بأنه يرزق الله من يشاء فيرضى منه في حياته! (٢) الذي يعلم الله يرزق من يشاء فهو راضي منه في حياته!
- (٣) من هو يعلم أنه يرزق الله من يشاء فيرضى عنه في الحياة! (٤) من علم بأن الله يرزق من يشاء فسيكون راضياً في الحياة!

٨٣- «ای انسان، نفس خویش را با زیبایی چراغ‌های اعمال نیک زینت کن!»: أيها الإنسان! ...

- (١) تزيّنوا أنفسكم بجمال مصابيح الحسنات! (٢) زيني نفسك بمصباح الحسنه الجميلة!
- (٣) تزيّن نفسك بالمصابيح الحسنه الجميلة! (٤) زين نفسك بجمال مصابيح الحسنات!

■ عین الصحيح في التشكيل:

٨٤- «خلق الخالق المخلوقات من الانسان في أحسن تقويم!»: (١) الخالق - المخلوقات - الإنسان - أحسن (٢) من - الإنسان - أحسن - تقويم (٣) المخلوقات - من - الإنسان - أحسن (٤) خلق - الخالق - المخلوقات - الإنسان

٨٥- «الراضي عن نفسه غير محبوب لأن الناس لا يحبون الراضي عن نفسه!»: (١) غير - محبوب - الراضي - نفس (٢) محبوب - يحبون - الراضي - نفس (٣) الراضي - نفس - محبوب - يحبون (٤) نفس - غير - يحبون - الراضي

٨٦- «اقرأ النص التالي ثم عين الأخطاء الموجودة في ترجمة النص»: (١) التالي - ثم - عين - ترجمه (٢) النص - التالي - عين - الأخطاء (٣) اقرأ - عين - الأخطاء - ترجمه (٤) ثم - الأخطاء - الموجودة - النص

■ عین الصحيح في الاعراب والتحليل الصرفي:

٨٧- «الحسنات التي عملتها في الحياة أذهبت سيناتك!»: (١) التي: اسم - موصول خاص - للمفرد المؤنث - نكرة - مبني / خبر و مرفوع محلاً (٢) الحسنات: اسم - جمع سالم للمؤنث - معرف بأل - معرب / مبتدأ و مرفوع، و الجملة اسمية (٣) أذهبت: فعل ماضٍ - للغائبه - مزيد ثلاثي - لازم - معرب / فعل و فاعله ضمير «هي» المستتر (٤) ها: ضمير متصل للنصب أو للجر - للغائبه - معرفة - مبني على السكون / فاعل و مرفوع محلاً

٨٨- «دخلنا في مساجد من مدينتنا و رأينا المصلين هناك»: (١) المصلين: اسم - جمع سالم للمذكر - معرف بأل - معرب - منصوب بالياء (٢) دخلنا: فعل ماضٍ - للمتکلم وحده - مبني على السكون / فعل و فاعله ضمير «نا» البارز، و الجملة فعلية (٣) مدينة: اسم - مفرد مؤنث - معرفة علم - معرب - ممنوع من الصرف / مجرور بحرف الجر، من مدينة: جار و مجرور (٤) مساجد: جمع تكسير (مفردة: مسجد، مذكر) - معرف بالإضافة - ممنوع من الصرف / مجرور بالفتحة، بحرف الجر

٨٩- «الأعداء إنما يريدون ثرواتنا حتى ينهبوها!»:

- (١) ثروات: جمع تكسير - معرّف بالإضافة - معرب - منصرف / مفعول به و منصوب بالفتحة
 (٢) يُريدون: مضارع - للغائبين - متعدّد - معرب / فعل و فاعله ضمير النون البارز، و الجملة فعلية
 (٣) الأعداء: جمع تكسير (مفردة: عدوّ، مذكّر) - معرّف بأل - معرب - ممدود / مبتدأ و مرفوع، و الجملة اسمية
 (٤) ينهبوا: فعل مضارع - للغائبين - مجرد ثلاثي - لازم - مبني / فعل و فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية

٩٠- «شاهدتني ليلي في الطريق و قالت لي: إلى أين تذهب؟»:

- (١) الطريق: مفرد مذكّر - معرّف بأل - معرب - ممنوع من الصرف / مجرور محلاً بحرف الجر
 (٢) ليلي: اسم - مفرد مؤنث - معرفة علم - معرب - منقوص - منصرف / فاعل و مرفوع تقديرًا
 (٣) تذهب: مضارع - للمخاطبة - مزيد ثلاثي من باب إفعال - لازم - معرب / فعل مرفوع و فاعله ضمير «أنت» المستتر
 (٤) ي (في (لي): ضمير متصل للنصب أو للجر - للمتكلم وحده - معرفة - مبني على السكون / مجرور محلاً بحرف الجر، لي: جار و مجرور

■ عَيِّن المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية:

٩١- عَيِّن الخطأ:

- (١) هؤلاء نساء يَعْلَمْنَ في مدارس مدينتنا.
 (٢) أولئك أشجار مثمرة نتمتع بها.
 (٣) تلك غابات خضراء ظهرت من بعيد.
 (٤) هذه تصاوير قيّمة في المعبد.

٩٢- عَيِّن «ما» الموصولة:

- (١) يعلم الله ما تنفقه من أموالك!
 (٢) يا ولدي! ماذا تعمل و لم تدرس!
 (٣) أ ما تنعمت بخيرات الله حتى الآن!
 (٤) ما شعرت بالضعف حتى أترك غايتي!

٩٣- عَيِّن ما ليس فيه من الموصولات:

- (١) لا تكن ممّن يبطلون صداقاتهم بالمّن!
 (٢) من يرى مَرَّ الجبال كما تمرّ السحاب؟
 (٣) عاتب من هو أقرب إليك بالإحسان!
 (٤) أ تعلمون أنّ نبينا ممّن شجّعنا على التعلّم؟

٩٤- عَيِّن الأسماء المنقوصة كلّها:

- (١) التساوي - الحاكي - الغيّ - القارئ
 (٢) القاضي - المخطئ - الغني - الكافي
 (٣) الأماني - الطاغي - النواحي - المعاصي
 (٤) الأغاني - الليالي - الساهي - الجزي

٩٥- عَيِّن الأسماء المقصورة كلّها:

- (١) كسرى - زكريّا - عدى
 (٢) أعداء - مرضى - مرحبا
 (٣) أغنى - سخاء - دنيا
 (٤) والي - عطشى - ليلي

٩٦- عَيِّن الاسم النكرة:

- (١) ربّنا كَفَر عَنّا سيّئاتنا!
 (٢) أنا مدينة العلم و عليّ بابها!
 (٣) اللّهم افتح علينا أبواب رحمتك!
 (٤) إنّ في ذلك لآيات لقوم يعقلون!

٩٧- عَيِّن ما فيه جُمْل أكثر من غيره:

- (١) كلّ شيء في الحياة نعمة قد تُرشدنا إلى الصراط المستقيم!
 (٢) المؤمن يشاهد نتيجة عمله حين يشتغل به!
 (٣) يُحاسب الله الخلق في ذلك اليوم لما يرزقهم في هذا اليوم!
 (٤) المؤمن ذو وجهٍ ضاحك و إن كانت نفسه باكية!

٩٨- «هو ذا وجه أسمر و له كَفَيْن خشتين بسبب العمل الكثير، و رأيت النبيّ يكرّمها». عَيِّن الصحيح للأخطاء:

- (١) ذي - عمله كثيرة - النبيّ (٢) ذي - كفّان خشتان - يكرّمها (٣) ذو - كفّان خشتان - النبيّ (٤) لها - العمل الكثيرة - يكرّم

٩٩- «رأيت في القرآن إشارات علميّة عن أسرار غامضة اكتشف المُحقّقون حقيقته». عَيِّن الصحيح للأخطاء:

- (١) علميّاً / اكتشفت / حقيقته (٢) غامض / المُحقّقون / حقيقتها (٣) الإشارات / العلميّة / اكتشفوا (٤) إشارات / المُحقّقون / حقيقتها

١٠٠- «اشترت الأمّ لولديها، و هما ها!». عَيِّن الصحيح للفراغ:

- (١) حذاءين / شكرا
 (٢) حذاءين / شكر
 (٣) حذاءان / تشكرا
 (٤) حذاءان / يشكران